



وکیل خانواده «کیارستمی» در واکنش به انتشار کتابی درباره پرونده پزشکی سینماگر فقید

عدالت بر جای خود نشسته و در زمان مناسب اجرا می‌شود!

همدلی | بهمن کیارستمی با انتقاد از برخی روایت‌ها مبنی بر نبود شاکای خصوصی در پرونده پزشکی پدرش می‌گوید، مهم‌ترین خواسته او با طرح شکایت در جریان مرگ عباس کیارستمی دسترسی به یک گزارش دقیق بوده که پس از هشت سال، علیرغم وعده‌های داده هنوز به او ارائه نشده است. به تازگی کتابی با عنوان «بازخوانی پرونده درمانی عباس کیارستمی در گفت‌وگو با پزشکان» توسط اسماعیل رضایی رونمایی شده است. این کتاب شامل هفت گفت‌وگو است که همگی در زمستان سال ۱۳۹۵ انجام شده‌اند.

مدیر گروه برنامه‌ریزی مرکز پژوهش‌های مجلس خبر داد:

۱۳ سال بودجه‌ستانی برای نوشتن الگوی اسلامی_ ایرانی پیشرفت

ویژه از برنامه چهارم به بعد، برنامه‌نویسی دولت‌ها با شدت بیشتری ادامه داشت. در عین حال واقعیت این است که برنامه هفتم ما آنچنان که باید برنامه توسعه نیست.

یک برنامه داشته باشد و نه بیشتر! به گزارش جماران «محسن علوی‌منش» تصریح کرد: یکی از آسیب‌های اصلی نظام برنامه‌ریزی ما است که هر چند برنامه تصویب می‌کنیم اما عملاً دولت‌ها چندان به آن مقید نیستند و به

همدلی | مدیر گروه توسعه و برنامه‌ریزی مرکز پژوهش‌های مجلس، با بیان اینکه کشور یک برنامه ندارد و دولت‌ها عملاً برنامه خود را دارند و آن را پیش می‌برند، گفت: به نظر می‌رسد در دوران پزشکیان، قرار است کشور



پزشکیان سرفصل فعالیت‌های استانی را روشن کرد

نقشه راه برای هر استان

تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی می‌گوید

ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار برای مونتاز کاران خودروهای چینی

نتایج هفدهمین حراج اوراق دولتی نشان داد

بانک‌ها اوراق قرضه دولتی را نخریدند

افراشتن بیرو امید فعال مدنی	شهرهای فرهنگی در دنیای امروز
نادر کریمی فعال مدنی	از سهم خواهی تا سهم خواری
قاسم امیری فعال فرهنگی	حسن دادخواه فعال فرهنگی



”همدلی“ اهداف سفر نخست وزیر و وزیر امور خارجه قطر را در بجهت‌های تنش‌های منطقه‌ای بررسی می‌کند

پیام دوحه برای تهران

سخنگوی وزارت امور خارجه:

زمان به نفع رژیم صهیونیستی نیست

همدلی | گروه سیاسی: سخنگوی وزارت امور خارجه ایران با اشاره به عملیات بزرگ حزب‌الله در عمق سرزمین‌های اشغالی تاکید کرد که «افسانه شکست ناپذیری ارتش رژیم اسرائیل مدت‌هاست به شعاری توخالی تبدیل شده است.»

«ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در مطلبی به پیامدهای عملیات «اربعین» حزب‌الله در عمق سرزمین‌های اشغالی از بی اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در حمله به بیروت و ترور «فواد شکر» فرمانده جهادی مقاومت لبنان اشاره کرد.

کنعانی در ابتدای مطلب خود پیام‌های گروه‌های مقاومت در پی پاسخ حزب‌الله به رژیم صهیونیستی را بازنشر داد. جنبش حماس اعلام کرد «ما پاسخ منحصربه‌فرد حزب‌الله یعنی چندین اهداف حیاتی و استراتژیک در عمق رژیم صهیونیستی را تمجید و تبریک می‌گوییم. پاسخ قاطع حزب‌الله ثابت کرد که جنایات دشمن بی‌پاسخ نمی‌ماند.»

جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز ضمن تبریک عملیات حزب‌الله در عمق اراضی اشغالی، اعلام کرد «این حملات نشان داد که دشمن اسرائیلی تنها زبان زور می‌فهمد و فقط با حملات مقاومت و مجاهدان متوقف می‌شود». در پیام انصارالله یمن نیز آمده است: ضمن تبریک پاسخ حزب‌الله لبنان، دستان و بازوان دلاوران حزب‌الله را می‌فشاریم.

پاسخ نیروهای مسلح یمن به تجاوز رژیم صهیونیستی به شهر «الحدیده» نیز در راه است. کنعانی در ادامه مطلب خود و با اشاره به دروغ‌پردازی‌های رژیم صهیونیستی درباره این عملیات، نوشت: رژیم صهیونیستی شاید بتواند برخی از حقایق را در خصوص عملیات حزب‌الله لبنان کتمان، تحریف و یا سانسور کند، اما خوب می‌داند که واقعیت موجود عوض نخواهند شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران به تشریح این واقعیت‌ها پرداخت و نوشت: موازنه‌های راهبردی به ضرر رژیم جعلی تفریبات بنیادین کرده است، افسانه شکست‌ناپذیری ارتش رژیم اسرائیل مدت‌هاست به شعاری توخالی تبدیل شده است، ارتش تروریستی اسرائیل قدرت هجوم مؤثر و بازدارنده خود را از دست داده و اکنون باید در برابر ضربات راهبردی از خود دفاع کند، ترس از حال و آینده در خانه‌های ساکنان سرزمین‌های اشغالی لانه کرده است، حملات نظامی مقاومت به عمق سرزمین‌های اشغالی کشیده شده است، رژیم اشغالگر که همواره توسعه سرزمینی را مدنظر داشت اکنون باید در درون سرزمین‌های اشغالی از خود دفاع کند اما با وجود حمایت‌های همه‌جانبه حامیان از جمله آمریکا، حتی در برابر یک عملیات محدود و مدیریت شده مقاومت نیز توان پیش‌بینی زمان و مکان حمله و قدرت بازدارندگی خود را از دست داده است.

کنعانی در پایان نوشت: گذر زمان به نفع رژیم صهیونیستی و حامیان آن نیست.



یادداشت

شهرهای فرهنگی در دنیای امروز

حسن دادخواه - شهرهای فرهنگی ایران در واقع همان شهرهایی هستند که شهرهای سنتی خوانده می‌شوند یعنی روزگاری مردمی در آنها می‌زیسته‌اند که آثار و نشانه‌های زیست آنان همچنان باقی است. سال‌ها بعد، در آن شهر مانده است و امروزه به میراث فرهنگی آن شهر بلکه ایران تبدیل شده‌اند. علت به وجود آمدن آن آثار و نشانه‌ها، طولانی بودن زمان و بازه زیست شهروندان و ساکنان در آن شهرها بوده است و الا از یک جمعیت سیال و زیست‌های موقتی و کوتاه مدت، اثر و نشانه به وجود نمی‌آید مگر زود از بین برود و زائل شود. علت ماندگاری و یکجا نشینی و زیست طولانی مدت نسل در نسل در شهرهای فرهنگی و سنتی، وجود مالکیت خصوصی و رواج حرفه و کسب و کارهایی است که شهروندان را ماندگار می‌کند و طلب معاش او را و فروش کالای او را در گرو ماندن و یکجا نشینی حتی سکونت در یک محله برای تمام عمر، وادار می‌ساخته است. از همین روست که وجود بازارهای تاریخی و سنتی و کالاهای دستی و خانه‌های قدیمی و تاریخی در شهرهای فرهنگی و سنتی، رواج دارد و دیده می‌شود. با صنعتی شدن شهرها و مدت‌دار شدن اشتغال در صنایع و رواج مهاجرت برای دستیابی به بازار کار و تبدیل دکان‌ها و مغازه‌ها به فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ، یکجانشینی و سکونت دائم در محلات و شهرها از میان رفت و بازارهای مدرن که تولیدات کشورهای دیگر و کارخانه‌های بزرگ را می‌فروشند به جای صنایع دستی و شغل‌های محلی، قرار گرفت. جایجایی جمعیتی و سکونت‌های موقتی یا کوتاه مدت در شهرها و تبدیل خرده مالکیت‌ها به مالکیت‌های بزرگی که مالک ضرورتاً در محل استقرار فروشگاه، سکونت ندارد، همه و همه موجب شد تا شهرها از شکل سنتی و فرهنگی بیرون بیایند و پاساژهای خیره کننده و کالاهای غیر بومی و املاک اجاره‌ای، جای کتابخانه‌های شخصی و خانه‌های تاریخی و بازارهای سنتی و صنایع محلی را اشغال کند و از این رو، لهجه‌ها و خرده فرهنگ‌ها و روابط همسپهری‌گری و تولید آثار و نشانه‌های فرهنگی رنگ ببازد و زائل شود. این از سویی است ولی از سوی دیگر، سیالیت جمعیتی و مهاجرت‌ها، بطور خزنده چهره فرهنگی و سنتی شهرها را تغییر داد و نوع روابط انسانی و اخلاقی میان ساکنان شهرها را نیز دگرگون ساخت. روابط بر پایه اعتماد و آشنایی‌های سنتی به تدریج از میان رفت و دوستی‌ها جای خود را به رقابت‌های ناسالم داد و آسیب‌هایی چون زدی، قاب زنی و خیانت در امانت و کلاهبرداری و کلاه‌گذاری و... در روابط اقتصادی در شهرهای سنتی که دیگر از حالت سنتی به صنعتی تبدیل شده بودند، سر برآورد.

آنچه بر شهرهای فرهنگی ما گذشت مانند دیگر شهرهای فرهنگی جهان، امری محتوم و ضرورت تاریخی و ضرورت تبدیل جهان سنتی به جهان مدرن است و چاره‌ای و راهی برای ایستاندن زمان و جلوگیری از حرکت آن نبوده و نیست. ولی پرسش این است که اکنون چگونه شهرهای فرهنگی بنا کنیم و چگونه کاربرد آن را برای شهروندان آسان گردانیم. اصولاً چه الگو و مدلی را می‌توان به‌جای آن شهرهای سنتی، مورد استفاده قرار داد؟ بی‌گمان بهره‌گیری از ابزارهای نوین با آمیزه‌های از دانش‌های سنتی - فرهنگی، طراحی و نوآوری‌های معماری و شهرسازی، الگو برداری از شهرهای هوشمند در کشورهای دیگر، طراحی مداخلات گردشگری با تنظیم و توزیع تعطیلات رسمی در فصول زمستان و بهار و پاییز، آموزش بهره‌گیری مناسب‌تر از دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همه روی هم می‌تواند در باز تعریف و باز شناخت نیازهای جدید فرهنگی متناسب با سبک و ذائقه‌های انسان مدرن، به انسان معاصر کمک کند.

فعال فرهنگی

یادداشت

از سهم خواهی تا سهم خواری

قاسم امیری - «سهم‌خواهی مطابق برداشت اکثر ما و به خودی خود پدیده‌ای مذموم و ناپسند نیست؛ بلکه گاهی حتی به معنی حق خواهی و حق طلبی هم می‌تواند بروز و نمود داشته باشد. آنجا که «حق» منطبق بر «سهم» و حق و حقوق فردی یا گروهی می‌شود. سهم‌خواهی جایی نكوهیده است که بخواهی دستت را دراز کنی و از سهم کبک دیگران برداری؛ خصوصاً آنجایی که در تولید و تولیدش، کوچکترین نقشی را نداشته‌ای و هزینه‌ای پرداخت نکردی و چه بسا مانعی سخت در مسیر آن بودی. اینجا دیگر نمی‌توان نام سهم‌خواهی را بر آن نهاد! «سهم خواری» مناسب‌ترین واژه برای بیان چنین پدیده‌ای است که نگارنده امیدوار است کم این واژه در جای مناسب خود استفاده شود. همان پدیده‌ای که بیشتر از آن به عنوان «حق خوری» استفاده می‌کنند. اما معمولاً سهم خواران همیشه در جامعه وجود دارند و در بین سایر افراد به زیست مسالمت‌آمیز باور جدی دارند. این باور و اعتقاد آنها قلبی است و البته حوزه کارکرد آن متفاوت است؛ یعنی فقط مربوط به زمان‌هایی می‌شود که اساساً حق و حقوقی ندارند و می‌خواهند از کشته دیگران درو کنند. یک شاخص مهم در همه سهم خواران وجود دارد و آن این است که می‌توانند در قالب‌ها و شخصیت‌های متفاوتی نقش بازی کنند.

تملق و چاپلوسی از دیگر خصوصیات شخصیتی آنها است. اهل نفاق و ریا هستند و معمولاً از رانت‌های ویژه برخوردار هستند. پرونی خصیصه مهم دیگری است که اگر نداشته باشند، ممکن است در رسیدن به هدف ناکام بمانند. این آدم‌ها در جوامع مختلف وجود دارند و خصوصاً در جوامع کمتر توسعه یافته، که تحزب نقش کم رنگی به خود گرفته به‌وفور یافت می‌شود. هر کجا ذی‌حقان و شایسته‌گان اندکی حجب و حیا داشته باشند، شدت رشد پیدا می‌کنند و قربانی‌های زیادی هم از جامعه بر حق خواهند گرفت. گاه با شانناژ رسانه‌ای، گاه با حذف استصوابی، و گاه با چرب کردن سیبل بر سرشان، پرونی خصیصه مهم دیگران چنگ می‌زنند. خصوصاً وقتی که در مقابل خود «تشکیلات ساختارمند» یا صاحبی را نبینند. اما در جامعه کنونی ما که احزاب نتوانستند و یا فرصت نیافتند که به معنی واقعی حزب، کارکرد مطلوبی از خود نشان دهند و معمولاً فقط در فصول انتخاباتی آن هم تحت عناوین ستادای اظهار وجود می‌کنند، نمی‌توانند نقش آن تشکیلات ساختارمند را ایفا کنند. چه بسا نمایندگان و نیروهای فعال احزاب در فردای پس از پیروزی انتخاباتی، خود سرگردان‌تر از دیگران، فقط به فکر کلاه خویش می‌افتند که مبادا باد حوادث سهم‌خواران آن‌را با خود ببرد. این ترس مستمر که از فقدان چارچوب مشخص در ساختار سیاسی شکل می‌گیرد، نه تنها شریینی پیروزی انتخاباتی را در خود می‌بلعد و کام آنها را تلخ می‌کند بلکه استرس مداوم حضور رقیب در صحنه قدرت یا تولد نوکیسه‌گان سهم‌خوار، بصورت کامل تمرکز آنها را بر هم می‌زند و ناامیدی را بر آنها حاکم می‌کند. همین موضوع خیلی سریع می‌تواند آنها را منتقد دولت خودساخته کرده و پیش‌تر از آنچه مخالفان بر دولت جدید بنازند، حامیان دولت از سر دشمنی وارد شوند.

جالب است بدانیم (و اگر توجه کنیم بی‌خوابیم برد) که استفاده از واژه «سهم‌خواهی» بیشتر توسط «سهم خواران» و به منظور ایجاد هاله‌ای از ترس و احتیاط به دور ذهن گروه پیروز در انتخابات تکرار می‌شود تا شایسته‌گان را به ترفندی اخلاقی به گوشه‌ای بکشانند و خود به منافع غیر حلال خود برسند. در چنین شرایطی ستادهای اصلی موظفند از نیروهای خود صیانت کنند و زمینه رشد آنها را فراهم کنند. با یک نگاه کلان نگر نمی‌توان اطمینان داشت که با نیروهایی که باوری به شعارهای این دولت نداشته و ندارند خروجی مناسبی حاصل شود و موفقیتی را تضمین کرد. مگر رستمی هست که با سربازان افراسیاب به جنگ افراسیاب برود؟ سکونت روسای ستادها، و در انتظار باران نشستن، این کشت را به فصل درو نخواهد رساند. باید از لاک سکوت و انتظار بیرون آمد.

آنگونه که دیده می‌شود برنامه خاصی مد نظر دوستان نیست. فعالیت کم فروغ نتایج پر بار نخواهد داد. ستاد های مرکزی باید برای نیروهایشان سهم‌خواهی کنند و از اتهام سهم خواران نترسند. مدل ذهنی حاکم بر ستادها، الآن باید همین باشد. نیروهای توانمند خود را شناسایی کنند و از آنها رزومه بگیرند. اشتباهی که در کمیته‌های انتخاب وزرا صورت گرفته تکرار نشود. الآن فرصت انتخاب معاونان وزیر، مدیران کل و استانداران است. اگر موفقیت دولت و رضایت مردم مد نظر است باید در این مرحله، نقش آفرینی کرد. هنگامه سکوت یا صدور بیانیه‌های پرشور نیست. هنگامه چند دستگی و چند گمدهای نیست. برای مردمی که به آنها التماس شد باید ارزش قائل شد. اگر دولت موفق نشود امید از جامعه رخت خواهد بست. برای همه نیروهای ستادی که زحمت کشیدند در حد خودشان باید تلاش کرد. از برچسب‌های سهم‌خواران نترسید!

فعال فرهنگی

یادداشت

افراشتن بیرو امید

نادر کریمی - رئیس جمهور هرازگاهی لازم است که در یک تریبون رسمی فریاد بزند و بگوید من کنار مردم ایستاده‌ام. من برای مردم قدم جلو گذاشته‌ام. هفته گذشته هنگام رای اعتماد برخی نماینده‌ها بداخلاقی کردند و رئیس جمهور ناچار با یک نهمی به آنها یادآوری کرد که در چه شرایط حساسی قرار داریم و گفتند «رای را به وزرا بدهید می‌خواهیم برویم کابینه را تشکیل بدهیم» - با این حال دیروز پزشکیان انرژی مثبتی در مجلس به راه انداخت و این انرژی شبکه‌های مجازی رسانه‌ها و فضای کشور را دربر گرفت. وی گفت: وزرا را با بالا هماهنگ کردیم. اکنون شما رای بدهید و زمان خرده‌گیری و اظهار نظر و تحلیل نیست؛ مسیر تعیین شده است. او علاوه بر اینکه تعهد خودش را با جمله کنار مردم ایستادام و آمده‌ام تا زبان آنها باشم، به نمایندگان هم یادآوری کرد و گفت: شما هم باید در کنار مردم و برای مردم باشید در غیر این‌صورت نمایندگی مردم معنایی ندارد.

اکنون تشکیل کابینه در این روزهای گرم تابستانی با گرمای کار و تلاش و حرکت بر ای اصلاح در هم آمیخته می‌شود. ۴۵ روز برای رایزنی و تلاش بر ای انتخابی بهتر که در نهایت منجر به تشکیل تیم کنونی با بضاعت موجود شد. پیام رئیس‌جمهور در مجلس سبب شد آنهاهایی که چشم اندازشان افقی به بزرگی منافع گروهی و حزبی‌شان است، در رفتار و کردار خود تجدید نظر کنند و به افق کلان کشور و کارهای انجام ننده در این مسیر نگاه کنند. بسیاری از احزاب و گروه‌ها و مخصوصاً اصلاح‌طلبان که نقش تعیین کننده‌ای در انتخاب پزشکیان داشتند بی‌شک از انتقادها و برای و زرا راضی نیستند اما حرکت او برای به راه انداختن جریان همدلی و صلح در داخل را تایید می‌کنند. درحال حاضر کشور نه به خطیب نه به شخص کاریزما تیک و نه به دانشمند بلکه به شخص عملگرا که فداکار باشد نیاز دارد. پزشکیان بی‌شک یک پزشک معمار است که همه سنگ‌ها و پرتابه‌ها را می‌گیرد تا بنایی محکم و زیبا را بسازد.

او انرژی خود را صرف اثبات خود یا جریان خاصی نمی‌کند. او انرژی خود را صرف همگرایی و صلح میکند برای ارتقای فرهنگی که بگوید ما همه با هم و در کنار هم هستیم قرار نیست کسی را تغییر دهیم می‌خواهیم در کنار هم و باهم زندگی کردن را تمرین و تجربه کنیم.

ما باید یاد بگیریم که نمی‌خواهیم خودمان را بر دیگری تحمیل کنیم اگر غیر از این بود خداوند یک انسان بیشتر خلق نمی‌کرد. کشور برای حرکت در مسیر توسعه و رسیدن به جایگاه جهانی و باستانی خود نیاز به تلاش، گذشت و همکاری دارد. دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد.

فعال مدنی